



رژیم صهیونیستی همچنان نتوانسته
دست‌آوردی از حملات دائم خود داشته باشد

غم غزه

ابوالفتح: هنوز دست صهیونیست‌ها
به یک اسیر هم نرسیده است

چه کسانی از عدم مداخله دولت ناراحتند؟

صبح‌نو به بررسی آرایش نیروهای اصول‌گرا در انتخابات مجلس دوازدهم پرداخته است

بیژن مقدم: کنش انتخاباتی رئیسی، الگویی برای رؤسای جمهور بعدی
هندسه ائتلاف اصولگرایان

۵۴ ←

در سفر استانی رئیس‌جمهور چه گذشت؟

۸ ←

بهره‌برداری از ۱۵ طرح آبرسانی



چرا باید برای سینمای ایران نگران بود؟

۷ ←

در جست‌وجوی فیلم خوب

یادداشتی از سعید آچولرو

آمریکا و چین در حال موازنه قدرت یکدیگر هستند

مهار دیپلماتیک

مذاکرات نمایشی و گفتاردرمانی بایدن
نسبت به چین

مهدی خورسندی / کارشناس مسائل بین‌الملل

۳ ←

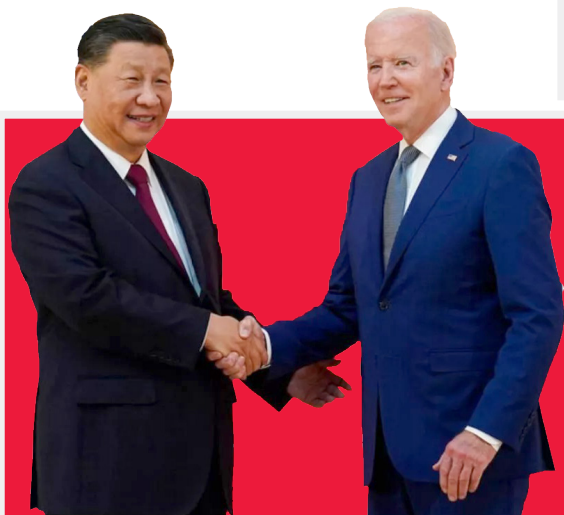
سرمقاله

راهبرد انتخاباتی نظام

«مشارکت حداکثری» یکی از شاخصه‌های انتخابات‌های جمهوری اسلامی بوده که همواره مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نیز قرار داشته است. سابقه انتخابات در سال‌ها دهه‌های اخیر هم نشان داده که برای نظام سیاسی کشور مشارکت مردم فی‌نفسه اهمیت دارد. از همه مهم‌تر آنکه راه ایجاد تغییرات به شکل معقول و منطقی، حضور پای صندوق‌های رأی و ایجاد تغییرات به شکل مسالمت‌آمیز و اعمال حق رأی مردم از طریق صندوق‌های رأی است. چهلمین «انتخابات» در تاریخ انقلاب ۴۴ ساله کشورمان هم قرار است در روزهای پایانی سال ۱۴۰۲ برگزار شود تا نمایندگان دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره خبرگان رهبری با رأی مردم آغاز به کار کنند. در خصوص انتخابات آتی نیز رهبر انقلاب، چهاردهم فروردین ماه در سخنرانی نوروزی به اهمیت کیفیت برگزاری انتخابات پرداختند و متذکر شدند که مسئولان، راهبرد «مشارکت، امنیت، سلامت و رقابت انتخابات» را از هم اکنون مشخص کنند تا انتخاباتی خوب، سالم و با مشارکت بالا داشته باشیم.

حضور مردم شاخص اصلی در افزایش مشارکت انتخاباتی محسوب می‌شوند که اگر بتوان اهمیت شرکت در انتخابات را برای آنان تبیین و روشن‌گری کرد، حضور حداکثری پای صندوق‌های رأی خواهند داشت. همچنان‌که رهبری نظام پیش از این تأکید کرده بودند: «حتی کسانی که نظام را قبول ندارند برای حفظ اعتبار کشور شرکت کنند؛ ممکن است کسی بنده را قبول نداشته باشد؛ اما در انتخابات شرکت کند.» اما برگزاری انتخابات رقابتی و مشارکتی الزاماتی دارد که علاوه بر نقش مردم در رقم خوردن چنین انتخاباتی، عملکرد نهادها و دستگاه‌های اجرایی از جمله دولت و شورای نگهبان نیز در شکل‌گیری چنین انتخاباتی مؤثر است و تأثیر مستقیم در میزان مشارکت خواهد داشت.

همچنان‌که اگر دولت در پاسخگویی به مطالبات اقتصادی و سیاسی مردم موفق باشد و میزانی از سطح رفاه ایجاد کرده و وعده‌هایش را محقق کرده باشد، می‌تواند در افزایش مشارکت مؤثر باشد یا بالعکس، عملکرد ضعیف دولت‌ها می‌تواند موجب کاهش مشارکت مردم در انتخابات شود. اما در این دوره از انتخابات، رهبری نظام یک راهبرد و شاخص دیگر را در کنار مشارکت مورد توجه قرار دادند و آن هم برگزاری انتخابات «رقابتی» است. شاخصی که حضور نماینده همه جناح‌ها و احزاب سیاسی در آن مورد تأکید است تا زمینه‌ساز یک انتخابات رقابتی شود. بر همین اساس، رهبر انقلاب در دیدار اخیرشان با فقها و حقوق‌دانان شورای نگهبان تأکید کردند: «همه وظیفه دارند زمینه برگزاری انتخاباتی پرشور را در اسفندماه امسال فراهم کنند.» توصیه‌ای که به منزله تذکره به شورای نگهبان برداشته شده است تا در انتخابات آتی با دید بازتری، صلاحیت افراد را مورد بررسی قرار دهد. چراکه شرکت مردم در انتخابات و افزایش آن نشان‌دهنده اعتماد عمومی و همچنین سرمایه اجتماعی است. از این رو با توجه به آنکه ارقام مربوط به نتایج انتخابات، همواره بازخورد و انعکاس قابل توجهی در رسانه‌های داخلی و خارجی داشته و کارشناسان سیاسی و اجتماعی آن را محل تحلیل خود قرار می‌دهند، برگزاری انتخابات پرشور می‌تواند مظهر قدرت ملی و بازدارنده از فشار دشمنان باشد که تضمین‌کننده آینده کشور است.





رژیم اسرائیل همچنان نتوانسته دستاوردی از حملات دائم خود داشته باشد

غم غزه

لباس‌های غیرنظامی سبک می‌پوشند. یکی از آنها دوربین را روی سر می‌گذارد و سپس روز خود را در حال حرکت در میان نظامیان ما از طریق اختفا در تونل‌ها، کوجه‌های باریک و ساختمان‌های ویران شده می‌گذرانند و سربازان و تانک‌های ما را با سلاح‌های دقیق هدف قرار می‌دهند و با شروع تاریکی هوا ناپدید می‌شوند و به پایگاه‌های خود باز می‌گردند. ارتش ما تا چه زمانی می‌تواند در برابر این فرسایش و این رویارویی بین یک ارتش با وسایل و تجهیزات سنگینش و ۲۰-۱۰ نفر حداکثر در روز دوام بیاورد؟!»

مدرسه‌ها هم در امان نبودند

این در حالی است که تانک‌های ارتش رژیم صهیونیستی ظهر پنج‌شنبه مدرسه‌ای را در محله الزیتون در شهر غزه بمباران کردند که آوارگان فلسطینی در آنجا اسکان داده شدند. در این جنایت حدود ۴۰ نفر شهید و ده‌ها نفر دیگر مجروح شدند. به دلیل بی‌خبری نیروهای امدادگر و رسانه‌ها از این جنایت، شمار زیادی از مجروحان بر اثر شدت خونریزی و جراحات وارده به شهادت رسیدند و شمار شهدا به ۷۰ نفر رسید. تا ساعات اولیه بامداد جمعه نیز مجروحان همچنان در حال جان دادن بودند و ساکنان این منطقه صدایشان نه به صلیب سرخ رسیده بود و نه به تیم‌های امداد و نجات. سرانجام شماری از افراد حاضر در این منطقه صبح جمعه به سختی و با وجود بمباران‌های گسترده خود را به خیزندگان شبکه الجزیره رسانده و اعلام کردند که چنین جنایتی در محله زیتون اتفاق افتاده و ده‌ها نفر نیازمند کمک فوری هستند.

مقاومت در غزه

از طرفی، جبهه مقاومت در جبهه‌های متعدد، اهداف دشمن را مورد هدف قرار داده‌اند و با حملاتی شدید در حال مبارزه با جنایت‌های رژیم تروریست اسرائیل هستند. روز گذشته حزب الله لبنان پایگاه نظامی اسرائیلی المناره در مجاورت شهرک میس الجبل در جنوب لبنان را هدف قرار داد. حزب الله لبنان اعلام کرد که منطقه یزؤون در شمال فلسطین اشغالی را با سلاح‌های مناسب هدف قرار داده و تلفاتی قطعی به اشغالگران وارد کرده است. همچنین مقاومت اسلامی لبنان اعلام کرد: «رزمندگان ما مرکز تجمع نظامیان اشغالگر را در الضهره هدف قرار دادند.»

۵۸ حمله به اشغالگران آمریکایی در سوریه و عراق انجام شده است

وزارت دفاع آمریکا موسوم به پنتاگون اعلام کرد که از ۱۷ اکتبر تا کنون؛ یعنی از حدود یک ماه پیش ۵۸ حمله به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه صورت گرفته است. سایرینا سینگ، معاون سخنگوی پنتاگون طی یک نشست خبری به خبرنگاران گفت: «۲۷ مورد از این حملات در عراق و ۳۱ مورد دیگر در سوریه رخ داده است.» خبرنگار خبرگزاری فلسطینی شهاب هم از شهادت ۱۲۰ نفر در غزه از صبح جمعه خبر داده، این در حالی است که بر اثر بمباران اردوگاه النصیرات بیش از ۲۰۰ نفر شهید شده‌اند. در جریان حمله به شرق گذرگاه رفح هم شماری زخمی شده‌اند. از طرفی به دلیل قطعی اینترنت در غزه، بسیاری از خانواده‌ها از سرنوشت فرزندان خود از زمان حمله رژیم صهیونیستی به غزه خبری ندارند.

بیمارستان‌ها، قطعا اسرای فرضی هم از قربانیان این حملات خواهند بود. از این رویداد می‌توان فهمید که اولویت نتانیاهو، ارضای اهداف جنگی خود و فرار رو به جلو از شکست طوفان الاقصی است. او حالا می‌خواهد دست به هر جنایتی بزند تا کمی شکست همه‌جانبه خود را پنهان کند. همان‌طور که در شماره‌های پیشین «صبح نو» نیز گفتیم، رژیم اسرائیل برای لاپوشانی شکست عمیق و راهبردی خود ممکن است به جنایت‌های بزرگ و بزرگ‌تری دست بزند تا تمرکز رسانه‌ها از شکست این رژیم متفرق شود.

توجه جنایت

نتانیاهو همچنین به ناموفق بودن در غزه اذعان کرده و گفته است: «تلاش می‌کنیم با کمترین تلفات غیرنظامی مأموریت را به پایان برسانیم؛ اما متأسفانه در این هدف موفق نبوده‌ایم.» ارتش آدامکش اسرائیل عدم موفقیت خود در مقابله با مقاومت را با کشتار کودکان و لشکرکشی به بیمارستان‌ها توجیه می‌کند و اظهارات فوق نخست‌وزیر خونخوار صهیونیست‌ها سندی برای این ادعا هستند. نخست‌وزیر افراطی رژیم صهیونیستی در حالی که اکنون در تلاش برای اشغال غزه است؛ اما مدعی شد: «ما می‌خواهیم مسئولیت نظامی در غزه را برای جلوگیری از ظهور گروه‌های مسلح به عهده بگیریم، ولی به دنبال اشغال غزه نیستیم.» این اظهارات در زمانی مطرح شده‌اند که پیش از این هم نظامی‌های صهیونیست در غزه به انجام عملیات‌های امنیتی و ضد فلسطینی می‌پرداختند و در واقع نتانیاهو که گویی از مقاومت مردم غزه به جنونی همه‌جانبه رسیده است، اکنون سعی دارد با ترور بیماران بیمارستان‌های غزه، اهداف نظامی شوم خود را نمایان کند.

خستگی رژیم اسرائیل از جنگ فرسایشی

روزنامه هآرتس طی گزارشی نسبت به فرسایشی شدن جنگ زمینی و تلفات بالای آن برای این رژیم هشدار داد و نوشت: «روش عملیاتی آن‌ها گردان‌های قسام) برای مقابله با ما (در غزه) این‌گونه است که یک تیم ۱۰ نفره ابتدا یک پهباد شناسایی را با ظهور اولین نشانه‌های سپیده‌دم می‌فرستند و مکان تانک‌ها، خودروها و تجمع نظامیان را برای آنها مشخص می‌کنند و سپس به چند گروه عملیاتی تقسیم می‌شوند و هر گروه دونه‌ره،

تجاوز وحشیانه رژیم صهیونیستی به نوار غزه در حالی وارد چهل و دومین روز می‌شود که جنگنده‌های این رژیم علاوه بر بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، حملات خود به مساجد، مراکز توزیع سوخت و سایر زیرساخت‌های غیرنظامی را افزایش داده‌اند تا طشت رسوایی دروغ‌پردازی و سناریوسازی‌های اشغالگران بیش از پیش از بام جهان فرو افتد. به گفته رسانه‌های محلی، آب و برق ساختمان‌های اصلی بیمارستان شفا قطع شده، تقریباً هیچ بیماری در بیمارستان باقی نمانده و اینترنت در این بیمارستان به کلی قطع است. بسته‌های غذایی ارسالی به بیمارستان شفا تنها برای ۴۰ درصد از حاضران در آن کفایت می‌کند. به‌طور کلی وضعیت این بیمارستان بحرانی و ناامن است و به سبب نبود برق، امکان عمل جراحی وجود ندارد. کودکان به سبب نبود آب شرب سالم دچار التهاب‌های روده‌ای شدید شده‌اند. تانک‌های رژیم اسرائیل همچنان در محوطه‌ها و اطراف بیمارستان حضور دارند و نظامیان اسرائیلی به دو ساختمان در داخل بیمارستان یورش برده‌اند.

بیمارستان شفا از قبل مجروح، بیمار یا ناتوان بوده‌اند. نظامیان رژیم صهیونیستی در داخل بخش‌های بیمارستان شفا پرسه می‌زنند و بمب در داخل آن منفجر کردند. نظامیان صهیونیست مانع از دارو و بانک خون و غذا به بیمارستان شفا می‌شوند. اشغالگران، بیمارستان شفا را در محاصره دارند و تانک‌های رژیم صهیونیستی در امتداد خیابان الوحده هستند. از سوی دیگر درگیری‌هایی در اطراف بیمارستان المعمدانی گزارش شده و اوضاع در آن بسیار دشوار و خطرناک است و جنگنده‌های اسرائیلی اطراف بیمارستان المعمدانی در غزه را بمباران کردند. منابع خبری هم از اوضاع خطرناک صدها مجروح در بیمارستان اندونزیایی به علت نبود درمان و دارو خبر دادند.

جنون آدمکشی در نتانیاهو

«بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی که این روزها به شدت تحت فشار داخلی به دلیل عدم آزادی اسیران صهیونیست قرار دارد، در گفت‌وگویی به سی‌بی‌اس مدعی شد: «نشانه‌های قوی داریم که گروگان‌هایی که حماس نگهداری می‌کند، در بیمارستان الشفا هستند و این یکی از دلایل ورود ما به این بیمارستان است.»

البته باید گفت که این اولین بار نیست که نتانیاهو با ارائه دلیلی بی‌پایه و اساس سعی دارد جنایت نظامیان وحشی تحت فرمانش را توجیه کند و در حادثه بمباران و کشتار در بیمارستان المعمدانی هم نتانیاهو دست به چنین ادعایی زده بود. نکته اینجاست که اگر اسیری هم در این بیمارستان‌ها وجود داشته باشد با ایجاد شرایط غیرانسانی و حملات وحشیانه نظامی به محیط

فاجعه انسانی در بیمارستان شفا

تک‌تیراندازان رژیم اسرائیل در هر نقطه از بیمارستان مستقر شده‌اند و رژیم اشغالگر اجساد شماری از شهدا را ربوده است. بیشتر بیماران بخش مراقبت‌های ویژه که نیاز به تنفس مصنوعی داشتند، به شهادت رسیدند. بیشتر ساختمان‌های بیمارستان بمباران شده و هر کسی در محوطه‌ها و اطراف بیمارستان حرکتی داشته باشد، مورد هدف قرار می‌گیرد. به سبب ادامه محاصره بیمارستان، شمار زیادی از نوزادان نارس فوت شدند. نوزادان نارس هم که زنده مانده‌اند، به سبب شرایط ناگوار موجود چندان دوام نخواهند آورد. اخبار ناراحت‌کننده از بیمارستان شفا نشان می‌دهد که دشمنی رژیم اشغالگر اسرائیل فقط با مقاومت نیست و آنها حتی از نوزادان نارس فلسطینی واهمه دارند و هولناک‌ترین و غیرانسانی‌ترین جنایت را علیه کودکان نارس هم به اجرا درآورده‌اند. آنچه که پیداست قصد صهیونیست‌ها از محاصره بیمارستان شفا، صرفاً نسل‌کشی است و استفاده و ابزار کردن این بیمارستان در معادلات جنگی، فقط بهانه‌ای برای ستیزه‌جویی و اجرای عملیاتی فاجعه‌بار دیگر در تاریخ منحوس جنایت‌های این رژیم است.

فاش‌بسم به سبک صهیونیست‌ها

رژیم فاشیست صهیونیستی فصل جدید و فاجعه‌آمیزی از نسل‌کشی و نوزادکشی را آغاز کرده است. جنایت‌هایی که شاید مشابه آن را در افکار ضدانسانی هیتلر در طی هولوکاست یا افکار استالین در هولودومور می‌توان یافت. بیمارستان شفا تبدیل به نمونه‌ای مدرن از اردوگاه‌های هولوکاست شده است؛ با این تفاوت که افراد حاضر در

گفت‌وگو

ابوالفتح: هنوز دست صهیونیست‌ها به یک اسیر هم نرسیده است

وی خاطرنشان کرد: «آمریکایی‌ها فعلاً با آتش بس موافقت نمی‌کنند، وقفه چندساعته هم کم و بیش اجرا می‌شود و تا زمانی که آنها به دستاوردی نرسند، راضی به آتش بس نمی‌شوند.»

آمریکا و آتش بس

این کارشناس مسائل بین‌الملل یادآور شد: «اگر در این مدت کشتار و حمام خون فجیع، وحشیانه و دلخراش رژیم اسرائیل ادامه یابد و جامعه جهانی هم واکنش جدی نشان بدهد، آمریکایی‌ها زیر فشار افکار عمومی به آتش بس تن می‌دهند.» ابوالفتح با بیان اینکه تاکنون تعداد کشته‌شده‌ها در غزه به ۱۴ هزار نفر رسیده است، تصریح کرد: «این کشته‌ها عدد بسیار بالایی هستند؛ اما با کشتار وحشیانه‌ای که اسرائیلی‌ها متصور می‌شوند که مثلاً آنها باید حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار نفر را بکشند، هنوز فاصله زیادی مانده و بعید است که نظر آمریکا در هفته آینده نقشه‌شان را تغییر بدهد.»

کشوری را قبول نمی‌کند و ایران بر راه حل تک کشوری با برگزاری همه‌پرسی تأکید دارد.»

راهبرد بایدن برای نتانیاهو

این کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: «آمریکا می‌خواهد که تا از کار افتادن مؤثر فعالیت‌های به‌زعم آنها تروریستی حماس جنگ ادامه پیدا نکند و رژیم اسرائیل به یک دستاورد نظامی برسد و سپس احتمالاً آمریکایی‌ها آتش بس را بپذیرند.» ابوالفتح اضافه کرد: «وضعیت کنونی نشان می‌دهد که آمریکا هنوز به آن مرحله نرسیده و دست آمریکا و رژیم اسرائیل به یک گروگان هم نرسیده و از ۲۳ اسیر که در دست حماس است، حتی یک نفر هم به دست صهیونیست‌ها نیفتاده است. برای این کار آنها باید از تونل‌های پیچ در پیچ و خطرناک حماس بگذرند که به نوعی سخت و غیرممکن است.»

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگویی با «صبح‌نو» اظهار کرد: «سیاست کلان دولت دموکرات آمریکا این است که بر راه حل دو کشوری تمرکز و مشکل فلسطین و رژیم اسرائیل را با تشکیل دو کشور مستقل حل کند.»

وی ادامه داد: «طبق گفته آنها نوار غزه باید بخشی از خاک کشور مستقل فلسطین شود. اینکه رژیم اسرائیل می‌گوید می‌خواهد آنجا را تحت کنترل داشته باشد، بر آن نظارت کند و بخشی از غزه را جدا کند مورد پذیرش آمریکا نیست.» ابوالفتح با اشاره به اینکه آتش بس یک بحث جدا است، اظهار کرد: «آمریکا معتقد است باید حماس را نابود کند و این موضوع مانع تحقق راه حل دو کشوری است. واشنگتن، از بین رفتن حماس را راه حل می‌داند و معتقد است که حماس مانع این طرح است و آنها معتقدند که حماس وابسته به جمهوری اسلامی است و جمهوری اسلامی هم که راه حل دو

مهار دیپلماتیک



اگرچه پس از دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، تنش‌های اقتصادی و سیاسی آمریکا و چین در رسانه‌ها کمتر شده است؛ اما نباید از سیاست‌های جو بایدن نسبت به چین هم غافل بود. او که در تلاش است رقیب بزرگ اقتصادی خود را در تایوان و دریای جنوبی چین به خود مشغول سازد، این روزها در حالی از توسعه روابط اقتصادی یا سیاسی با پکن سخن می‌گوید که چشم دیدن برتری پکن در عرصه اقتصادی جهان را ندارد، گویا کاخ سفید دریافته است که اکنون و هم‌زمان در سه جبهه اوکراین، غزه و تایوان به‌صورت هم‌زمان درگیر نباشد و موجبات افزایش تنش در جهان نشود، از این‌رو در قالب گفتار و مذاکره با چین درصدد است پس از انتخابات ریاست‌جمهوری، جبهه جدید رقابت یا جنگ سرد خود با چین را به شیوه‌ای جدید به نمایش بگذارد، شاید در سال آتی، دیگر خبری از جبهه غزه یا اوکراین نبود و آمریکا با فراغ بال بیشتری، ازدهای زرد جنوب شرقی آسیا را در دریای بزرگ چین و تایوان وارد چالش کرد.

به آن را متوقف کند.» از دیگر سو، منابع مطلع گزارش دادند که آمریکا و چین برای احیای ارتباطات و تعامل ارتش‌های دو کشور در بالاترین سطح نیز توافق کردند.

تنش‌های چین و آمریکا اگرچه بارها تا مرز جنگ سرد و چه‌بسا تقابل نظامی جلو رفته است؛ اما تشدید تنش در روابط آمریکا و چین از زمان ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و با سیاست جنگ تعریف‌ای واشنگتن علیه پکن آغاز شده است که کمابیش در دوره ریاست‌جمهوری بایدن نیز تداوم یافته است.

آن‌گونه که رسانه‌های غربی گزارش می‌دهند، بایدن پس از ماه‌ها تنش بین دو ابرقدرت، فصد داشت از این دیدار برای استحکام بخشیدن به روابط آمریکا و چین استفاده کند. پیش از مذاکرات، مقامات آمریکایی در مدیریت انتظارات مراقب بودند و گفتند که آنها انتظار لیست طولانی از نتایج یا حتی بیانه مشترک رهبران را ندارند، همان‌طور که پس از چنین نشست‌هایی مرسوم است.

هدف دیدار «شی» و «بایدن»

به نظری می‌رسد هدف اصلی این مذاکرات، احیای کانال‌های ارتباطی، عمدتاً از طریق ارتش دو طرف، برای جلوگیری از هرگونه اشتباه محاسباتی است که مقامات آمریکایی نگران هستند که منجر به درگیری مستقیم نظامی شود؛ به‌ویژه در ماجرای اختلافات اساسی بین دو کشور بر سر تایوان. دو سال پیش بود که با سفر خانم نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان، این تنش‌ها افزایش یافت و طرفین با برگزاری مانورهای مختلف نظامی و رزمایش‌های مشترک هشدارهایی به یکدیگر دادند؛ اما در نهایت با هوشیاری پکن، تنش نظامی شکل نگرفت. گویا چین هم دریافته است که با توسعه روابط با غربی‌ها بهتر و سریع‌تر می‌تواند سیاست‌های یک‌کمر بند و یک جاده را تحت‌عنوان جاده ابریشم دنبال کند و به اهداف و چشم‌اندازهای اقتصادی و تجاری خود در پهنه جهان دست یابد.

دمیده است. پنتاگون نیز به منظور آنچه ایجاد «بازراندگی» در مقابل ایران و گروه‌های مقاومت در منطقه خوانده شده، بر شمار نظامیان و جنگ‌افزارهای خود در منطقه و شرق مدیترانه افزوده است که خود، اقدامی تنش‌زا محسوب می‌شود.

آمریکا که با حضور مداخله‌جویانه نظامی خود در منطقه مدعی کمک به تأمین امنیت آن بود، نتوانست از بروز جنگی دیگر در خاورمیانه که امروز بیم گسترش آن را دارد، جلوگیری کند.

انتقاد «شی» از سیاست‌های آمریکا در تایوان

ایران موضوع «دستور دادن» یا «کنترل» نیروهای مقاومت برای حملات تلافی‌جویانه‌شان به منافع آمریکایی در منطقه و ادعای نقش داشتن در حمله حماس علیه رژیم صهیونیستی را رد کرده و گفته است که تصمیم‌گیرنده خودشان هستند؛ اگرچه، ایران نسبت به گسترش درگیری‌ها در جنگ غزه و تبدیل شدن آن به جنگی منطقه‌ای هشدار داده است.

چین بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران است و به‌رغم فشارهای آمریکا به خرید نفت ایران ادامه می‌دهد. برخی از سیاستمداران معتقدند یکی از راه‌های اعمال فشار اقتصادی به تهران، ترغیب و فشار به مقامات چینی برای قطع یا دست‌کم کاهش خرید نفت ایران است.

از سوی دیگر، رئیس‌جمهور چین نیز خطاب به بایدن گفته است: «واشنگتن و پکن باید برای حل اختلافات برجسته بین خود تلاش کنند، به خطوط قرمز و اصول یکدیگر احترام بگذارند و از اقدامات تحریک‌آمیز خودداری کنند.» طبق گزارش‌ها، «شی» در ادامه توضیح داد: «چین امیدوار است که آمریکا تحریم‌های یک‌جانبه را لغو کند و فضای تجاری مطلوبی را برای شرکت‌های چینی فراهم کند. آمریکا همواره تحریم‌های یک‌جانبه‌ای را علیه پکن اعمال می‌کند و این به‌شدت به منافع چین لطمه می‌زند.»

رئیس‌جمهور چین درباره موضوع تایوان نیز تصریح کرد: «آمریکا باید از اتحاد مجدد صلح‌آمیز و اجتناب‌ناپذیر چین با تایوان حمایت کند و ارسال سلاح

بالاخره «جو بایدن»، رئیس‌جمهور آمریکا و «شی جین‌پینگ»، رئیس‌جمهور چین، پس از دیدارهای متعدد مقامات اقتصادی و تجاری کشورها، توانستند برای ساعاتی در حاشیه نشست همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه «آپک» درباره تقویت ارتباطات و مدیریت رقابت گفت‌وگو کنند. این دیدار، نخستین دیدار بین «بایدن» و «شی» در یک سال گذشته بود. این دیدار در حالی انجام شد که دو کشور شاهد افزایش تنش‌ها طی سال‌های گذشته بوده‌اند و بارها به سمت جنگ و تنش اقتصادی میان خود رفته بودند، البته آمریکا در تلاش است تا در سایه مذاکرات بتواند جلوی هم‌زونی چین در عرصه اقتصادی جهان را بگیرد.

درخواست بایدن برای ورود چین به موضوعات غرب آسیا

اگرچه رسانه‌های جهان موضوعات مطرح شده این دیدارها را اقتصادی، تجاری و نظامی خواندند؛ اما در دیدار بایدن و شی جین‌پینگ موضوعات دیگری چون تحولات غزه و ایران نیز به میان آمده است. تا آنجا که بایدن از شی جین‌پینگ خواسته است در برخی از موضوعات غرب آسیا ورود کند. رسانه آمریکایی مدعی شد که رئیس‌جمهور این کشور در دیدار اخیرش با همتای چینی خود که در پی تحولات اخیر منطقه انجام شد، درخواستی را درباره ایران با او مطرح کرده است، یک مقام رسمی ارشد آمریکایی پس از دیدار و گفت‌وگوی چهار ساعته «جو بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا و «شی جین‌پینگ» رئیس‌جمهور چین که بحران اخیر منطقه در پی جنگ غزه نیز از محورهای آن بود، گفت که بایدن از چین خواسته است از نفوذ خود در ایران استفاده کرده و از تهران بخواهد از آنچه «اقدامات تحریک‌آمیز» خوانده شده، پرهیز کند. خبرگزاری رویترز در این باره گزارش داد که مقامات رسمی چینی به طرف آمریکایی گفتند درباره خطرات منطقه‌ای با ایران گفت‌وگوهایی داشته‌اند.

این درخواست در حالی از سوی بایدن مطرح شده است که آمریکا از آغاز جنگ غزه، با حمایت‌های تمام‌عیار از رژیم صهیونیستی برآتش جنگ غزه

یادداشت

مذاکرات نمایشی و گفتاردرمانی بایدن نسبت به چین

آمریکا به دنبال کنترل چین باشد یا اینکه چین را دچار تنش ژئوپلیتیکی در منطقه تایوان کند.

تلاش برای به تأخیر انداختن تنش

رکود اقتصادی چین یک نگرانی بزرگ برای سرمایه‌گذاران جهانی است. روابط اقتصادی باثبات بین دو قدرت اقتصادی چین و آمریکا که «بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار تجارت مشترک دارند» چند ماهی است مورد توجه قرار گرفته است.

البته آنچه که در روسیه اتفاق می‌افتد این است که آمریکایی به‌زعم خودش مسکو را در جنگ اوکراین به کنترل خود درآورده، از این‌رو کاخ سفید در تلاش است با ایجاد تنش بیشتر در غرب آسیا و غزه یا جنگ اوکراین، این اوضاع را به نفع خود دنبال کند. البته این مدل تنش جدید را هم می‌خواهند در منطقه تایوان و دریای چین جنوبی دنبال کنند.

اگر اکنون مذاکراتی میان آمریکا یا چین دیده می‌شود؛ اگرچه در ظاهر توافقات یا بلخدهایی دارد؛ اما هدف اصلی آمریکا این است تا با گفتاردرمانی و مذاکره درمانی، این تنش موجود میان آمریکا و چین را به تأخیر

ببندازند. این دیدارها بیشتر به این دلیل است تا آمریکا فرصت و زمان کافی برای شکل‌گیری تنش در تایوان داشته باشد. به‌نوعی جنگ غزه و اوکراین را تمام کند، بعد سراغ بحران چین و تایوان برود تا فرصت مداخله و گسترش تنش را داشته باشند.

نگرانی آمریکا

این احتمال بیشتر تقویت می‌شود که بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا شاهد تنش جدی و بیشتر میان کاخ سفید و چین باشیم. تنش‌هایی که به هم‌زونی نظم جدید عالم منتهی می‌شود.

آمریکا نگران است چین به قدرت نخست اقتصادی و صنعتی دنیا تبدیل شود. در این صورت آمریکایی‌ها به حاشیه می‌روند، لذا واشنگتن در حالت دوگانه رقابت یا همکاری با چین قرار گرفته و در ظاهر روند کاهش تنش را در پیش گرفته است؛ اما در کلان باید منتظر ماند و دید سال آینده و پس از انتخابات آمریکا، روابط دیپلماتیک دو طرف به کدام سو پیش خواهد رفت. افزایش تنش و جنگ نوین و نرم یا وارد کردن چین به سمت درگیری و رویارویی با تایوان.



مهدی خورسندی کارشناس مسائل بین‌الملل

«جو بایدن»، رئیس‌جمهور آمریکا و «شی جین‌پینگ»، رئیس‌جمهور چین، در حاشیه نشست همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه «آپک» درباره تقویت ارتباطات و مدیریت رقابت گفت‌وگو کردند. این، نخستین دیدار بین «بایدن» و «شی» در یک سال گذشته بود. این دیدار در حالی انجام شد که دو کشور شاهد افزایش تنش‌ها طی سال‌های گذشته بوده‌اند. نباید فراموش کرد ماهیت و نقش این دو بازیگر، تعیین‌کننده و نشانگر رویارویی در جنگ سرد است. البته جنگ این دو اکنون به سبک مدرن و نرم پیش می‌رود.

آمریکا در برابر قدرت نوظهوری چون چین ضعف‌هایی دارد که باید آنها را ببوشاند یا اینکه تقویت کند. همین قضیه باعث شده است تا چین در آستانه ابرقدرتی در جهان جلو بیفتد و قطب اقتصادی را به دست گیرد. این قدرت فزاینده چین در عرصه اقتصادی باعث شده



«صبح‌نو» به بررسی آرایش نیروهای اصول‌گرا در انتخابات مجلس دوازدهم پرداخته است

چه کسانی از عدم مداخله دولت ناراحتند؟

آبان‌ماه ۱۴۰۲ یعنی چیزی حدود چهار ماه مانده به یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، مثل ماه‌های منتهی به همه انتخابات‌های قبل جریان‌های سیاسی در تکاپوی لابی و ائتلاف هستند و از دل آنها گروه‌های مختلف سیاسی گاه و بی‌گاه سر بر می‌آورند. اما انتخابات‌ها دیگر مثل چند دوره قبل، جناحی و چپ و راستی، اصولگرا و اصلاح‌طلبی نیست و در عین اینکه دوگفتمان غالب اصولگرایی و اصلاح‌طلبی ماهیت خود را حفظ کرده است، ولی در این میان جریان‌هایی چون اعتدال و از دل گروه‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب، جریان‌ها و گروه‌های متعددی نیز سر برآورده‌اند.

در جریان اصولگرا که انتخابات ریاست جمهوری و شوراها با دو گروه شورای ائتلاف و شورای وحدت نیروهای انقلاب یا به عرصه رقابت گذاشت به نظر می‌رسد در انتخابات پیش رو یکی، دو گروه دیگر نیز قصد ورود به عرصه را دارند. گروهی تحت‌عنوان «شریان» که با حضور مهرداد بذریاش آغاز فعالیت کرد و بعد با افرادی چون رسایی و جراره و هاشمی وارد میدان شد به گمان عده‌ای قصد دارد تا با استفاده از ظرفیت دولت در انتخابات فهرست دهد ولی با صحبت‌های رییس‌جمهور مبنی بر عدم مداخله کارسختی برای سیاست‌ورزی حول دولت دارد. طیف نزدیک به محمد باقر قالیباف که با نام نواصول گرایان شناخته می‌شود و به نظر از جدی‌ترین طیف‌های ائتلاف اصول‌گرایان است

دو حقیقت مهم درباره انتخابات مجلس

این تکرار البته نشان‌دهنده دو ضرورت و حقیقت غیرقابل‌کتمان است. اول اینکه بدون شک اساس شکل‌گیری این گروه‌ها، تفاوت سلیقه‌های سیاسی است که آنها را ملزم به استقلال تشکیلاتی کرده است و دوم اینکه

این گروه‌ها با وجود همه تفاوت‌ها، در صورت به میدان آمدن جناح مقابل نمی‌توانند مسیر فعلی را ببیمایند. اصلاح‌طلبان و جریان نزدیک به حسن روحانی تحت‌عنوان اعتدال و همچنین طیف نزدیک به لاریجانی برنامه‌های جدی را برای تصاحب کرسی‌های بهارستان تدارک دیده‌اند. این بدان معناست که اگر گروه‌های اصولگرایان پیش از حد به یکدیگر بپردازند احتمال اینکه ترکیب مجلس پیش‌رو برخلاف مجلس فعلی و با اکثریت جریان اصلاح‌طلب و اعتدالی باشد و یا اینکه اقلیت بزرگی از جناح مقابل وارد شوند امری بعید نیست.

اصول‌گرایان ائتلاف می‌کنند؟

اما آنچه مشخص است فعلا گروه‌های سیاسی اصولگرا تأکید و تمرکز ویژه‌ای روی بحث ائتلاف ندارند و در شرایط کنونی همگی در تلاش هستند تا وزن واقعی خود را بیان کنند. اتفاقی که در اکثر انتخابات‌های قبل هم افتاده و عموماً باین هدف انجام می‌شود که گروه‌های سیاسی قدرت بیشتری در نهاد‌های رسمی داشته باشند. غلامعلی حداد‌عادل رئیس شورای ائتلاف که به نظر می‌رسد تلاش دارد نقش وصل‌کننده و ائتلاف‌گرایا کند،

پنج‌شنبه گذشته در نشست تحول خواهان (سه‌گانه احزاب جمعیت جانبازان، جمعیت ایثارگران و جمعیت رهپویان) در پاسخ به سوال یکی از مخاطبان مبنی بر عدم حضور پایداری‌ها در شورای ائتلاف گفت: «ما در لیست تهران از جانب پایداری‌ها هفت نفر داشتیم و سه نفر هم خودمان اضافه کردیم؛ بنابراین در شورای ائتلاف به روی همه احزاب انقلابی باز است.»

پیام پایداری به دولت

صادق محصولی، دبیرکل جبهه پایداری اخیراً در مجمع عمومی این جریان سیاسی، پایداری و مقاومت را دلیل بسیاری از دستاوردهای انقلاب قلمداد کرده و سپس به راز تأسیس جبهه پایداری اشاره می‌کند و تأکید دارد که جبهه پایداری یک حزب نیست.

سپس به انتخاب درست گروه سیاسی خود در انتخابات ریاست جمهوری اشاره می‌کند و دستاوردهای دولت رئیسی در زمینه‌های تکثیر شرکت‌های دانش‌بنیان، حل مشکل واکسن کرونا، راه‌اندازی مجدد کارگاه‌های عمرانی تعطیل و پروژه‌های نیمه‌کاره، فروش نفت و بازگشت ارز، فعالیت‌های مکرر دیپلماتیک، پیوستن به پیمان‌های مهمی همچون بریکس و شانگهای، معطوف کردن توجهات به بهره‌برداری از توانایی‌های داخلی کشور به جای چشم دوختن به دست‌غریب‌های برجام، کاهش تورم، رشد شاخص‌های کلان اقتصادی، کاهش ضریب جینی و کاهش فاصله طبقاتی، همگانی کردن بیمه سلامت، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، کاهش روحیه تجمل‌گرایی، حضور در میان مردم جهت رفع مشکلات و... را حاصل پایداری و مقاومت می‌داند.

او سپس به انتقاداتی از دولت می‌پردازد. او معتقد است که دولت در عین کارهای خوب در زمینه رسانه ضعیف است و نمی‌تواند دستاوردهای خوب دولت را به مردم معرفی کند. انتقاد دوم محصولی نیز به انتصابات دولت است. دبیرکل جبهه پایداری می‌گوید: «اصولی‌ترین ضعفش این است که برخی افراد حاضر در دولت، مثل خودآیت‌الله رئیسی در فکر و عمل تحول‌گرا نیستند، ولی همچنان در دولت حضور دارند. لذا دولت انتظار داریم و مطالبه می‌کنیم هر چه سریع‌تر نیروهای کارآمد انقلابی را جایگزین چنین افرادی کند و اسیر شائناهایی چون اتهام خالص‌سازی نشود.» محصولی بر این باور است که رئیسی نباید اسیر فضا‌سازی‌هایی چون متهم کردن دولت به خالص‌سازی شود.

ورای آنچه دقیقاً مدنظر جریان پایداری است، شاید این اظهارات محصولی این پیام و معنا را داشته باشد که جبهه پایداری خود را یکی از بنیان دولت می‌داند، از این رو ضمن تلاش برای افزایش وزن سیاسی خود در آستانه انتخابات، وزن سیاسی شخصیت‌های نزدیک به خود را بالا ببرد.

آقاهترانی: پایداری در مجلس موفق بود

در این راستا مرتضی آقاهترانی، رئیس شورای مرکزی جبهه پایداری هم در مجمع عمومی این جبهه با تأکید بر اینکه

گفت‌وگو

بیژن مقدم:

کنش انتخاباتی رئیسی، الگویی برای رؤسای جمهور بعدی

بیژن مقدم، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «صبح‌نو» با اشاره به میزان نزدیک یا دور بودن جریان‌های منکثر اصولگرا به وحدت در آستانه انتخابات گفت: «این بحث‌ها همواره در آستانه انتخابات مطرح بوده و این سوال همیشه وجود داشته است که آیا این تکرار به وحدت منجر خواهد شد یا خیر.» وی افزود: «معمولاً تا آستانه انتخابات هم این بحث‌ها ادامه دارد و این تکرار کم‌کم است، ولی در نزدیکی‌های انتخابات، گفت‌وگو‌هایی بین خودشان شکل می‌گیرد که به وحدت برسند. نکته مهم این است که تکرار یا وحدت در نفقه موضوعیت ندارد، بلکه موضوع اصلی، دو هدف موفقیت و مشارکت بیشتر در انتخابات است و اگر این دو هدف محقق شود، آن وقت متوجه خواهیم شد که تکرار یا وحدت نوعی تاکتیک است، نه راهبرد.» مقدم تأکید کرد: «اکنون نمی‌توان گفت که میان وحدت یا تکرار کدام مسیر درست است و باید شرایط فعلی پیش‌برود تا در نزدیکی انتخابات، یکی از این دو برای حصول نتیجه مطلوب انتخاب شود.»

انقلابی‌ها در انتخابات مسئول تر هستند

این کارشناس سیاسی در پاسخ به سوالی در زمینه نوع ورود محمدباقر قالیباف و جریان حامی وی به عرصه انتخابات تصریح کرد: «آنچه باید اولویت اول همه گروه‌های سیاسی کشور باشد، مشارکت است و هر چیزی که به این مشارکت کمک کند باید در دستور کار قرار بگیرد. بیانات اخیر رهبر انقلاب در دیدار با اعضای شورای نگهبان نیز مؤید این امر مهم است.» وی افزود: «همه گروه‌های سیاسی و حتی اصلاح‌طلبان باید در انتخابات

حضور اصلاح‌طلبان، انتخابات را رقابتی می‌کند

مقدم، حضور جریان اصلاح‌طلب را در عرصه انتخابات در افزایش مشارکت تأثیرگذار دانسته و اظهار کرد: «در صورت حضور آنها رقابتی واقعی شکل خواهد گرفت، چون هر کدام از جریان‌ها کشور تمایل دارند که خودشان پیروز عرصه انتخابات شوند؛ اما چیزی که روشن است اینکه جریان اصلاح‌طلب یکدست نیست و هنوز در مورد انتخابات بلاتکلیف هستند و در چندقدری مشارکت یا عدم مشارکت و ارائه لیست یا عدم ارائه لیست دچار ابهامات متعددی هستند.»

کنش اصلاح‌طلبان در رفتار انتخاباتی اصولگرایان مؤثر است

این کارشناس سیاسی افزود: «کنش و شکل‌گیری انتخاباتی جریان اصلاح‌طلب حتماً در رفتار انتخاباتی جریان اصولگرا نیز تأثیر دارد و به همین دلیل است که تأکید دارم در شرایط کنونی، فضا برای تحلیل و پیش‌بینی قطعی عرصه انتخابات روشن نیست.» مقدم تأکید کرد: «تکرار فعلی جریان اصولگرا ممکن است در آستانه انتخابات به دلیل حضور رقبا و شرایط اجتماعی



اگرچه به مذاق منتقدان دولت خوش نیامده بود اما گویای یک واقعیت بود اینکه طیف قابل توجهی از رأی دهندگان فهرست مطلوب خود را در میان هیچ یک از فهرست‌هایی که تا پیش از این در انتخابات‌ها رقابت کرده‌اند، پیدا نمی‌کنند و به معنای واقعی به دنبال هوایی تازه‌اند. چه چهره‌هایی که عملکردشان در ادوار گذشته دیده شده و بعضاً حتی به دلیل نداشتن شرط حداکثر سن ۷۵ سال (بر اساس اصلاحیه قانون انتخابات مجلس) شرایط در معرض انتخاب قرار گرفتن را ندارند با اقبال عمومی هم مواجه نیستند. به نظر می‌رسد به تناسب همین تغییر در جامعه در میان فعالان سیاسی هم گفت‌وگوهای جدیدی شکل گرفته است؛ گفت‌وگوهایی که الزاماً نمی‌توان آن را تحت عنوان «حامیان دولت سیزدهم» یا «حامیان رئیسی» خلاصه کرد، اما می‌توان مثنی مطلوب آن را منطبق بر حل مسائل دولت مردمی دانست. این گفت‌وگوها احتمالاً دربرگیرنده چهره‌های جوان‌تر باشد که با پیش از تمایل به وارد شدن در مناظره قدرت سیاسی دیرینه جناح‌ها و جریان‌های سیاسی چپ و راست و اصلاح طلب و اصولگرا متمایل به کار انقلابی و جهادی و پیگیری رویکرد عمل‌گرایانه برای حل مسائل اساسی کشور و بطور ویژه رفع مشکلات اقتصادی است که از هشت سال بی‌تدبیری در دولت گذشته و حاکمیت سیاسی کاری بر طیف قابل توجهی از کرسی‌های مجلس برجام‌مانده. جریان گفت‌وگوهایی که با اتکاب به همان نظرسنجی مردادماه باید گفت برای کهنه سیاستمداران هردو جریان دیگری می‌تواند رقیبی غیرقابل پیش‌بینی تلقی شود و همین حالا هم محدود نمایندگان نزدیک به این جریان نخواستند در زمانه عمل کنندگان به امر نمایندگی مردم به شمار می‌روند.

این نوشته روزنامه ایران همان طور که گفته شد در جهتی مخالف نظر اعلامی رییس جمهور نگاشته شده است. به نظر می‌رسد برخی گروه‌های رادیکال که از این سخن آقای رییس مبنی بر عدم دخالت خشنود نیستند با ساختن ادبیات جدید به دنبال وارد کردن دولت به عرصه انتخابات هستند. این رویکرد اولاً با توجه به تأکید همیشگی حاکمیت مبنی بر عدم مداخله دولت‌ها در انتخابات مجلس حتماً دارای اشکال است. از سوی دیگر با توصیف این مجلس از سوی رهبر انقلاب به عنوان مجلس انقلابی مشخص است که رویکرد فعلی پارلمان باید ادامه یابد. در چنین شرایطی برخی جریان‌های حاشیه‌ای و رادیکال با استدلال‌هایی که نتوانسته خلاف منطق سخن رییس جمهور را ثابت کند به میدان آمده‌اند تا زمینه مداخله در انتخابات را فراهم کنند که قبلاً در مطلبی در روزنامه صبح نو تحت عنوان دولت دوم رییس مبنی یا دولت سایه از آنها نام برده شد.

طبیعی است که در صورت ادامه این جریان بازخوانی دوباره حرف رئیس جمهور یا شاید اظهار نظر تازه لازم باشد.

خاص نیست. این شورا متعلق به انقلاب بوده و وفادار و ملتزم به همه اصول و ارزش‌های انقلاب است.»
 این نشست در نگاه رسانه‌ها و تحلیلگران به عنوان کنش جدی نواصول‌گرایان برای انتخابات مجلس ارزیابی شد.

دولت چه خواهد کرد؟

در این میان اما یک گروه و جریان مهم باقی می‌ماند. در دوره‌های پیشین همواره تلاش‌هایی از سوی دولت برای نقش‌آفرینی در انتخابات البته به صورت غیرمستقیم دیده می‌شد و برای مثال روحانی همیشه پیش از انتخابات‌ها سعی می‌کرد با اظهارات تند و رادیکال، فضای کشور را دو قطبی کند. برای مثال خروجی پیروزی مطلق لیست امید در انتخابات ۱۳۸۴ دو قطبی برجامیون و غیربرجامیونی بود که توسط دولت به جامعه پمپاژ شد.

رئیس ۱۳ آبان ماه در پاسخ به این سوال که دولت در خصوص اجرای منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره انتخابات چه برنامه‌هایی دارد، گفته بود: «دولت خود را موظف به برگزاری یک انتخابات مشارکتی، با امنیت بالا و کاملاً رقابتی به عنوان جلوه‌ای از مردم‌سالاری می‌داند. به عنوان دولت هیچ کاندیدایی در انتخابات نخواهیم داشت و صرفاً به دنبال ایجاد زمینه مشارکت گسترده‌تر و بالاتر همه مردم و گروه‌ها در انتخابات هستیم.»

در حالی که گمان می‌رفت این موضع رییس جمهور پایانی بر شائبه استفاده برخی از افراد و جریان‌ها از دولت سیزدهم برای انتخابات مجلس باشد اما مطلب روزنامه ایران در جهت سخنان رییس دولت نیست. به تعبیری می‌توان گفت که این مطلب را شاید بتوان تئوری پردازی برای ورود برخی گروه‌ها با اسم و عنوان دولت به انتخابات مجلس دانست.

ظهور یک جریان جدید

روزنامه دولت نیز در شماره روز سه شنبه هفته گذشته خود با عنوان «گمانه زنی‌ها از صحنه احتمالی انتخابات مجلس دوازدهم» به آن پرداخته است. روزنامه ایران می‌نویسد که برخلاف ادوار گذشته که دولت‌ها میان‌اندازنده‌گذار جناحی در انتخابات‌های دوره‌ای مجلس بودند و حتی تا انتخاب هیأت رئیسه مجلس نیز لابی‌گری می‌کردند، بدنه دولت سیزدهم از همان ابتدا با تذکر جدی و قاطع رئیس جمهور مواجه شد. آیت‌الله رئیسی اکیداً به دست‌اندرکاران انتخابات و همچنین اشخاص سیاسی درون دولت توصیه کردند که جزا بهر مورد خواست رهبر انقلاب و مصرح قانون، مثنی دیگری نباید اتخاذ شود. با این حال اواسط مردادماه سال جاری بود که نتایج یک نظرسنجی در رسانه‌ها بازتاب گسترده‌ای یافت. نظرسنجی‌ای که نشان می‌داد ۴۱ درصد از پاسخ‌دهندگان در انتخابات مجلس دوازدهم تمایل دارند به فهرستی رأی دهند که آیت‌الله رئیسی، رئیس جمهور آن را تأیید یا حمایت کند. فهرست‌های فرضی دیگر با سرلیستی چهره‌هایی همچون محمدباقر قالیباف (۲۶ درصد)، محمدجواد ظریف (۲۳ درصد)، محمد خاتمی (۲۱ درصد)، علی لاریجانی (۱۵٫۷ درصد) و حسن روحانی (۱۵٫۶ درصد) در میان پاسخ‌دهندگان وزن داشتند. آن نظرسنجی

چالش بدنه اجتماعی در شریان

نخستین مجمع عمومی گروهی تحت عنوان «شبکه راهبردی یاران انقلاب اسلامی «شریان» اسفند ۱۴۰۱ در سالی در ولنجک تهران برگزار شد. شخصیت‌هایی چون امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی رئیس بنیاد شهید، مهرداد بذریاش وزیر راه و شهرسازی و جمعی از نمایندگان مجلس و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی در این مراسم حضور داشتند. سمیه رفیعی که رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس است و چهار سال پیش با لیست انتخاباتی شورای ائتلاف به بهارستان راه یافته بود، عضویتش در شریان را با انتشار بیانیه‌ای تکذیب کرد.

همچنین قاضی‌زاده هاشمی در گفت‌وگویی گفت که «بدنه را به عنوان سختران برای آن جلسه و مجمع عمومی شریان دعوت کرده بودند و من هم به عنوان سختران در آن جلسه حضور پیدا کردم؛ بدنه همه بچه‌های انقلاب و حزب الهی را که در هر کجا جمع می‌شوند، دوست دارم؛ اما از لحاظ ارتباط تشکیلاتی بنده ارتباط تشکیلاتی با شریان ندارم.» چندی بعد یکی دیگر از اعضای شریان به نام ناصر ترابی نیز در بیانیه‌ای عضویتش در این جریان را تکذیب کرد. برآیند کنش سیاسی این گروه نوبنیاد سیاسی حاکی از این است که این گروه نیز در صدد آن است که با افزایش وزن خود در فضای انتخاباتی کشور، در مجلس آینده جای برای خود داشته باشد که البته تعداد کم حاضران جلسه شریان در مسجد امام صادق (ع) موجب شد که بدنه اجتماعی این طیف زیر سوال قرار بگیرد.

مبنایی برای کارآمدی

۴ آبان ماه ۱۴۰۲ بود که خبری مبنی بر برگزاری یک نشست انتخاباتی تحت عنوان مینا در حرم امام (ره) منتشر شد که محمدباقر قالیباف، محسن رضایی و غلامعلی حداد عادل در آن جلسه سخنرانی کردند. سیدمحمد حسینی، معاون رئیس جمهور و مهدی چمران، پرویز سروری و حدود ۱۳۰ نماینده مجلس نیز در آن حاضر بودند. قالیباف در این نشست درباره رقابت درون جبهه انقلاب گفت: «این رقابت نباید علیه کارآمدی و همدلی، همراه اختلاف و در سهم خواهی باشد، بلکه کشور امروز نیازمند تحول است و سرنوشت امنیت ملی مادرگرو کارآمدی است.» قالیباف با بیان اینکه ما مدغده‌ای جز حل مشکل مردم نداریم، گفت: «ما اصرار داریم در مجلس افراد کارآمد و دلسوز داشته باشیم. مجلس باید با همان روحیه دفاع مقدس کار خود را پیش ببرد.»

حدادعادل هم در این مراسم، گفت‌وگوهای تحول و کارآمدی که در اظهارات قالیباف عیان بود، سررشته سخنانش کرده و می‌گوید: «آیا کسی منکر است که شرط پیروزی ما وحدت است؟ این بدیهی است؛ اما متأسفانه خیلی وقت‌ها درگیر همین بدبیهات می‌شویم و مواردی بوده که شکست خورده‌ایم... در شورای ائتلاف سعی می‌کنیم ظرف وحدت باشیم و رسیدن به این مدل شورای ائتلاف حاصل ۲۰ سال کار سیاسی است. اصل کار شورای ائتلاف دعوت به وحدت است؛ این شورا متعلق به هیچ حزب خاص و هیچ تشکیلات

باور ما این است که بچه‌های پایداری در مجلس شورای اسلامی موفق بوده‌اند، بیان می‌کنند: «یکی از این موفقیت‌ها در زمینه ساماندهی فضای مجازی است که فقط رأی‌گیری آن در صحن علنی باقی مانده است.»
 اگرچه برای این ساماندهی، حملات بسیاری به ما شد. ما معتقدیم که اسلام برای استفاده درست از فضای مجازی دستوراتی دارد. از این رو در مجلس بای این طرح ایستادیم و طبیعتاً اگر جمعیت مان در مجلس بیشتر باشد، بهتر می‌توانیم کار کنیم.»

همچنین طرح جوانی جمعیت و دورزدن تحریم‌ها موردی است که آفاتهرانی از آنها به عنوان دستاوردهای نمایندگان حامی پایداری از آنها یاد می‌کند. در این میان آنچه به نظر می‌رسد عدم تأکید این حزب سیاسی به مسائل مربوط به توسعه و پیشرفت و کارآمدی است.

هرچند به صورت سنتی عدم موافقت جریان پایداری با ائتلاف، به امری معروف تبدیل شده، ولی به نظر می‌رسد در انتخابات کنونی همراهی شورای وحدت نیروهای انقلاب که با محوریت منوچهر متکی، مصطفی پورمحمدی و حمایت‌های ممنوی جامعه روحانیت مبارز پایه عرصه سیاسی کشور گذاشته پیچیده‌تر باشد.

همان طور که حداد عادل اشاره می‌کند، جریان پایداری با وجود اینکه در انتخابات گذشته عدم همراهی‌هایی در زمینه ارائه لیست مشترک داشت، ولی در نهایت با گنجانیدن چند تن از شخصیت‌هایش در لیست انتخاباتی شورای ائتلاف نیروهای انقلاب حاضر به ائتلاف شد. اکنون باید دید که در این انتخابات این دو طیف شورای وحدت و پایداری چه خواهند کرد.

شورای وحدت؛ در میانه لاریجانی و ائتلاف

منوچهر متکی اخیراً در نشست بیابان اینکه نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی مورد نظر شورای وحدت تا پایان آذرماه، به ساماندهی و اعلام نهایی می‌رسند و با فهرست مستقل شورای وحدت به میدان انتخابات می‌رویم، گفته است: «البته رسیدن به فهرست نهایی بستگی به شرایط دارد؛ یعنی اگر اصلاح‌طلبان همانند انتخابات ریاست جمهوری وارد عرصه نشوند، معتقدیم که رقابت بین اصولگرایان سبب افزایش مشارکت می‌شود. اگر شرایط برعکس شد، یعنی اصلاح‌طلبان حضور جدی در انتخابات مجلس شورای اسلامی آینده پیدا کردند، همه باید مشارکت جدی در نهایی کردن فهرست شورای وحدت داشته باشند.»

این سخنان را باید در چارچوب تلاش راست سنتی برای احیای خود تحلیل کرد. اگر طیف نزدیک به علی لاریجانی را در میانه طیف روحانی و شورای وحدت بتوان تعریف کرد اما راست سنتی را باید در میانه طیف نزدیک به لاریجانی و شورای ائتلاف قرار داد. در چنین شرایطی سیاست ورزی راست سنتی تحت تأثیر این عوامل شکل خواهد گرفت. حضور محمدرضا باهنر و منوچهر متکی در انتخابات مجلس از این زاویه که به این طیف قدرت مانور سیاسی دهد دارای اهمیت است.

یادداشت

هندسه ائتلاف اصولگرایان

محمد کاظم انبارلویی

کارشناس مسائل سیاسی



اکنون احزاب و گروه‌ها مشغول بررسی صلاحیت‌های نامزدهای خودشان و فرایند رسیدگی به صلاحیت‌های انتخاباتی در هیأت‌های اجرایی و شورای نگهبان هستند. قاعدتاً اگر بنا بر ایجاد ائتلافی باشد، اضلاع ائتلاف باید نامزدهای خودش را انتخاب کند تا روند ائتلاف زمانی که می‌خواهند در فرایند بررسی‌ها، صالحین را به اصلح برسانند باید هر کدام شان فهرست خودشان را داشته باشند. به نظر می‌رسد که یک ماه مانده به انتخابات، نشست‌های منجر به ائتلاف و همگرایی سرعت می‌گیرد و در آنجا اضلاع رقابت، نامزدهای خودشان را مطرح می‌کنند و برای اینکه در عرصه انتخابات موفقیتی داشته باشند به صورت ضروری و اجتناب‌ناپذیر به ائتلاف خواهند رسید. آنچه در خصوص جریان اصلاح طلب نیز باید مورد اشاره قرار داد، این است که در شرایط کنونی مسأله اصلی این جریان سیاسی، راهیابی به مجلس نیست، کمابینه آنها در دولت آقای روحانی تمام تخم‌مرغ‌هایشان را در سبد برجام گذاشتند، ولی به دلیل اقداماتی که آمریکا و سه کشور اروپایی در مسیر

اجرای برجام انجام دادند، عملاً چیزی به دست نیاوردند. به همین دلیل مردم احساس کردند که این گروه در صدد فریب آنها بوده‌اند و در خصوص مذاکرات رفع تحریم صادقانه رفتار و گفتار نداشته‌اند. اصلاح‌طلبان و دولت قبل تأکید کرده بودند که ما در جریان مذاکرات، تحریم‌ها را برمی‌داریم، ولی نه تنها تحریم‌ها برداشته نشد، بلکه بیشتر هم شد. بدتر اینکه این جریان هنوز تأکید دارد که برجام و مذاکراتی که در هشت سال دولت قبل انجام شد، یک موفقیت است و مردم متوجه این بی‌صدافتی شده‌اند.

برخی اصلاح‌طلبان به دنبال توفیق و نتیجه گرفتن در عرصه انتخابات نیستند، بلکه به دنبال این هستند که دموکراسی ایران را بی‌ریخت نشان دهند و در همین راستا تأیید صلاحیت‌ها را مسک بهانه‌جویی‌های خود قرار می‌دهند. مسأله اصلی اصلاح‌طلبان، رقابت با کاندیداهای خاصی نیست، بلکه نشان دادن تصویر سیاهی از انتخابات هدف اصلی آنها در شرایط کنونی است و این مسأله راز حملات پیاپی آنها به نظام مردم‌سالاری دینی در رسانه‌ها و روزنامه‌هاست. جریان اعتدال و نزدیکان آقای روحانی نیز تقریباً امیدی برای پیروزی در عرصه انتخابات پیش رو ندارند و هرچه پیش برویم، بیشتر خودشان را نشان خواهند داد. آقای علی لاریجانی نیز در آخرین بیانیه خود هر گونه نقش‌آفرینی در عرصه انتخابات را نفی کرده، ولی باید در ماه‌های پیش رو ببینیم که این اظهارات چقدر در عرصه عمل خود را نشان خواهد داد.

منجر به تصمیم دیگری شود...
 وی در تحلیل رفتار انتخاباتی دولت و شخص رئیس‌جمهور در زمینه عدم ورود به عرصه رقابت‌های انتخاباتی و معرفی کاندیدا اظهار کرد: «انتظار درست از دولت‌ها همین است، چون دولت مأموریت‌های فراجزبی دارد و معمولاً نگاه‌شان ملی است، بدان معنا که هم باید به فکر مشارکت مردم و هم برگزاری انتخاباتی سالم، عادلانه و صیانت از آرای مردم باشند. هر کسی که رئیس‌جمهور است باید به دنبال این کارها باشد و هر رئیس‌جمهوری به سمت فعالیت‌های حزبی و سیاسی حرکت کند، مسیر را اشتباه رفته است. ممکن است از لحاظ قانونی نیز منعی وجود نداشته باشد، کمابینه حزب کارگزاران سازندگی به همین شکل ایجاد شد و تعدادی از وزرا به عنوان یک حزب در انتخابات نقش‌آفرینی کرده و لیست دادند.»

کنش انتخاباتی رئیسی، الگویی برای رؤسای جمهور بعدی

مقدم تأکید کرد: «مدلی که اکنون آقای رئیسی در انتخابات پیش می‌گیرد، شیوه‌ای مطلوب است، چون رئیس‌جمهور دولت را به وظایف ملی دعوت می‌کند و آنها را از لیست‌های حزبی و سیاسی برهیز می‌دهد و امیدواریم این نوع کنش به عنوان الگویی برای دولت‌های بعدی نیز مدنظر قرار گیرد.»



مأموریت ممکن یا ناممکن؟

علی دهکردی کار سختی برای سامان دادن به خانه سینما
در پیش دارد

گفت‌وگو

ضرورت سیاست‌زدایی از خانه سینما

گفت‌وگوی «صبح‌نو» با هادی انباردار

مرضیه برومند نیز سخت‌تر و پیچیده‌تر شد و علی‌رغم توانمندی‌های ایشان و آگاه بودن‌شان از نیازهای صنفی اعضای خانه سینما و با توجه به تلاش‌ها و حسن نیت‌شان نتوانست بر مشکلات غلبه کند و استعفا داد.

به نظر شما مدیرعامل خانه سینما در این شرایط چه راهبرد و رویکردهای باید اختیار کند؟

صنوف سینمایی و خانه سینما این روزها در شرایط خوبی به سر نمی‌برند، لذا مدیرعامل خانه سینما می‌بایست ضمن تعامل با کلیه صنوف، فارغ از هرگونه نگاه و موضع‌گیری سیاسی و... و تعامل با ارگان‌ها و نهادهای دولتی به خصوص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان سینمایی) برای رفع مشکلات بیکاری، معیشتی، بیمه، بازنشستگی، مسکن و امنیت شغلی اعضای خانه سینما تلاش کند.

تعامل با نهادهای دولتی مخصوصاً ارشاد چگونه باید شکل بگیرد؟

مشخص بودن منافع صنفی و ایجاد نگاه کارگری با اصناف باعث دور شدن از تعامل با نهادهای دولتی به خصوص وزارت ارشاد است، لذا می‌بایست جایگاه صنف سینمایی در خانه سینما به‌عنوان اصناف فرهنگی مشخص شود و به نظر من باید صنوف سینمایی زیر نظر سازمان سینمایی تشکیل شود، نه وزارت کار.

این روزها خانه سینما اوضاع خوبی ندارد، این اوضاع ناخوش همانند تپی است که فرد دچار آن می‌شود و بر اساس این تب، ادامه حرکت و قدرت فعالیت ندارد. خانه سینما هم امروز دچار همین وضعیت است. استعفای خانم برومند نشان‌دهنده بی‌ثباتی در این خانه است؛ چراکه او هشت ماه پیش برای این مسئولیت انتخاب شده بود؛ اما نتوانست دوران ریاست خود بر خانه سینما را به پایان برساند و مجبور به کناره‌گیری شد. هفته گذشته علی دهکردی برای مدیریت خانه سینما انتخاب شد. نکته مهم در مورد دهکردی این است که او سابقه چندان در مدیریت بر خانه سینما یا دیگر نهادهای صنفی حوزه هنر و فرهنگ ندارد. از سوی دیگر شکاف‌های زیاد و اختلافات مختلف بین سینماگران آن را دشوار کرده است. در گفت‌وگو با هادی انباردار، تهیه‌کننده، وضعیت خانه سینما و مدیریت دهکردی بر آن را بررسی کردیم و از او پرسیدیم با چه راهکارهایی، امکان عبور از بحران موجود در خانه سینما فراهم است.

تأسیس این خانه گام برداشت، نه تفکرات و اهداف سیاسی بعضی از دوستان.

آیا خانه سینما می‌تواند از بحران فعلی عبور کند؟

برای پاسخ به این سوال بهتر است نیم‌نگاهی به پیشینه نحوه و علل تأسیس خانه سینما اشاره داشته باشیم. این نهاد صنفی در پی مصوبه مجلس مبنی بر اختصاص دو درصد از درآمد فروش سینما جهت وضعیت رفاهی و صنفی شاغلان با حضور مدیران دولتی و نوزده صنف در سال ۱۳۷۲ با هدف حفظ و صیانت از حقوق مادی و معنوی، ایجاد امنیت شغلی و ارتقای سطح آموزش و حرفه‌ای دست‌اندرکاران سینمای کشور راه‌اندازی و تأسیس شد. خانه سینما از بدو تأسیس با فراز و فرودهای بسیاری روبه‌رو بوده و بحران‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است. خانه سینما به‌جای اینکه به ماهیت صنفی تمایل داشته باشد، بیشتر به ساختار یک گروه فکری شبیه است، لذا برای برون‌رفت از این بحران می‌بایست ضمن تکیه کردن به پشتیبانی صنوف و اعضای محترم خود نسبت به اهداف

راه عبور از این بحران چیست؟

برای عبور از بحران و حل معضلات خانه سینما باید با اتاق فکری متشکل از اهالی سینما، اعضای خانه سینما و معاونت سینمایی وزارت ارشاد با هم فکری و همراهی صاحب‌نظران فرهنگی و هنری به اختلافات پیش آمده پایان داد و ساختار نویی را برای خانه سینما تعریف کرد.

چرا خانم برومند نتوانست و استعفا کرد؟

به نظر من شرایط پیچیده و حاکم بر خانه سینما، عرصه بسیار سختی را برای مدیریت خانه سینما فراهم کرده و در طول دوره کوتاه مدت مدیریت سرکار خانم



دهکردی؛ از بازیگری تا مدیریت

بعد از استعفای مرضیه برومند از مدیرعاملی خانه سینما، علی دهکردی مسئولیت این نهاد صنفی را برعهده گرفت. البته انتخاب دهکردی به این مسئولیت با تعجب برخی هم مواجه شد؛ چرا که دهکردی در سینما و در بین طیف‌های مختلف سینمایی از وزن بالایی برخوردار نبود که بخواهد این مسئولیت را در این شرایط دشوار برعهده بگیرد. به هر حال در این شرایط سخت، خانه سینما و کلاسینمای ایران، دهکردی سکندار کشتی بحران زده‌ای شده که عبور آن از بحران‌ها به تلاش زیادی نیاز دارد. حالا که دهکردی مسئولیت این خانه را برعهده گرفته است، بررسی سوابق او خالی از لطف نیست.

بازیگر پرکار تلویزیون

نام کامل دهکردی، علی اسماعیل پور دهکردی است که در ۱۳۴۴ در شهرکرد متولد شده است. فعالیت حرفه‌ای او به دهه ۷۰ برمی‌گردد. مهم‌ترین فیلم او در این دهه، بازی در «از کرخه تا راین» ابراهیم حاتمی‌کیا است. دهکردی فارغ‌التحصیل بازیگری و کارگردانی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. حاصل تلاش‌های دهکردی در سینما، بازی در ۱۹ فیلم سینمایی از دهه ۷۰ تا به امروز است. «پاییز بلند»، «روز شیطان»، «شیخ مفید»، «عبور از خط سرخ»، «خلبان»، «ماه و خورشید»، «اخراجی‌ها»، «تلفن همراه»، «فردا» و «دریاچه ماهی» است. البته دهکردی کمتر در فیلم‌های اصلی و جریان‌ساز سینمای ایران حضور داشته و بیشتر حضور او حداقل در یکی، دو دهه اخیر در فیلم‌های حاشیه‌ای و کمتر مورد اقبال بوده و شانس کمتری برای کار کردن با کارگردانان صاحب‌سبک سینمای ایران پیدا کرده است. اما دهکردی در مجموعه‌های تلویزیونی هم بازیگر فعالی است و او در این چند دهه در بیش از ۲۰ مجموعه تلویزیونی ایفای نقش کرده است. «مهر و ماه»، «در قلب من»، «تصویر یک رؤیا»، «شرکت»، «مهر خاموش»، «جوان امروز»، «آتش و شبنم»، «عشق گمشده»، «آخرین گناه»، «شیخ بهایی»، «مسافر زمان»، «پرده‌نشین»، «جلال‌الدین»، «میکائیل»، «معمای شاه»، «مستوران» و «داستان یک شهر» از جمله این آثار هستند. دهکردی اما در عرصه سیاسی و از نظر موضع‌گیری‌های سیاسی تقریباً می‌توان گفت بازیگر کم‌کاری بوده و خیلی مواضع سیاسی نداشته و البته شاید بتوان گفت که در این شرایط سینما و افزایش شکاف بین طیف‌های مختلف سینمایی، شاید او بهترین گزینه برای مدیریت باشد. از این حیث که به هیچ‌کدام از طیف‌های سینمای تعلق خاطر نداشته و بر حسب سیاسی روی او نیست. باید منتظر ماند و دید که دهکردی در این مسئولیت چه عملکردی از خود برجا خواهد گذاشت و آیا خواهد توانست رضایت سینماگران را به دست بیاورد یا خیر.

خانه سینما در شرایط خاصی قرار دارد. این نهاد صنفی در طول فعالیت خود همواره فراز و نشیب‌های مختلفی را از سرگذرانده است؛ اما به نظر می‌رسد هیچ‌گاه پاییز خانه سینما به این حد دچار برودت و سردی نبود. مرضیه برومند ۱۰ مه‌ماه از مدیریت خانه سینما استعفا داد و دلیل آن را «عدم درک پیچیدگی‌ها و تناقض‌های درونی خانه سینما» عنوان کرد.

بعد از این استعفا، ساعات پایانی روز سه‌شنبه رسول صدرعاملی، سخنگوی خانه سینما، خبر مدیرعاملی علی دهکردی بر این مجموعه صنفی را رسانه‌ای کرد و گفت: «در جدیدترین جلسه مقرر شد یکی از اعضای هیأت مدیره به‌عنوان مدیرعامل انتخاب شود که به اتفاق آرا، علی دهکردی به‌عنوان مدیرعامل انتخاب شد. انتخابی که پرسش‌های اساسی را درباره دورنمای فعالیت نهاد صنفی سینمای ایران، آن هم در دورانی که سینما با چالش‌های متنوعی مواجه است، مطرح کرده است.» دهکردی در شرایط خاصی مدیریت خانه سینما را برعهده گرفته؛ شرایطی که شاید بزرگان این صنف هم از قبول مسئولیت آن در این دوران واهمه داشته باشند؛ اما آیا دهکردی این توان و ظرفیت را دارد که ناجی خانه سینما در اکنون و حال حاضر باشد.

برومند بعد از کنار رفتن از مدیریت خانه سینما در دو متن و مصاحبه به دلایل کنار رفتن خود پرداخته که مطلب دوم او با تیتر «در این مدت قرص اعصاب می‌خوردم» منتشر شده است که نشان‌دهنده اوضاع و احوال حاکم بر سینما در این مدت بوده است. او در این مصاحبه گفته است: «زمانی فضای خیلی صمیمانه‌ای در این خانه وجود داشت، ولی در این مدت من مشغول رسیدگی به درخواست‌های مالی، وام و نیز حجم بزرگی از نامه برای سفارت‌ها و ویزا بودم. به جز این‌ها، مشکلات مالی بسیار جدی است و من به خاطر این وضعیت مدتی است شب‌ها قرص آرام‌بخش می‌خورم، واقعیت این است که ما شاه‌نشینان هنوز نتوانستیم حقوق ماه گذشته کارکنان خود را بدهیم. بودجه‌ای که سازمان سینمایی می‌دهد بسیار اندک است؛ بودجه‌ای که سهم ما و سهم فرهنگ است.»

او همان‌طور که در متن استعفای خود هم نوشته بود، مسائل مالی را بخش مهمی از دلیل خود عنوان کرده و در این مصاحبه هم به توضیح این مشکلات پرداخته و نوشته است: «بودجه ما مستقیم برای هزینه‌های جاری صرف می‌شود. من مرضیه برومند بزدی هستم، ولی اصلاً خسیس نیستم، ولی در این مدت مدام همه چیز را بررسی می‌کنم که چطور خرج می‌شود. بودجه ما نصف شده و با این تورم به یک چهارم رسیده و با این کارها اصلاً نمی‌توان برنامه‌های کلان را پیش برد. متأسفانه من به‌عنوان مرضیه برومند نه مدیرعامل خانه سینما معتقدم که جریانی از سال‌ها قبل چه در خارج از کشور و چه داخل کشور شروع شد که می‌خواهند اصلاً ما نباشیم.» اما برومند در این مصاحبه به نکته دیگری هم اشاره می‌کند که نکته مهم این روزهای خانه سینما است. او در مورد مسأله شکاف‌ها هم گفته است «این دو گروه به نظر می‌رسد هدف مشترک دارند و اصلاً نمی‌دانم چطور می‌شود تندرهای خارجی و تندرهای داخلی، جفت‌شان یک هدف داشته باشند و جفت‌شان می‌خواهند به این نقطه برسند که مثلاً من نباشم، خانم معتمدآریا نباشد، پرویز پرستویی نباشد؛ بنابراین شرایط را یک جوری به قول فرانسوی‌ها «پروواکه» می‌کنند تا ما حذف شویم؛ بنابراین من می‌گویم مهم‌ترین وظیفه‌ای که ما پیش رو داریم این است که نگذاریم حذف‌مان کنند. چون ما اتصال مردم به

حاکمیت هستیم. منظورم این نیست که می‌خواهیم به زور مردم را به حاکمیت وصل کنیم، نه شاید اشتباه گفتم، بلکه ما میانجی هستیم و باید بحران‌ها و شکاف‌ها را ترمیم کنیم و حرف مردم را به گوش مسئولان برسانیم.»

مدیریت در دوران شکاف‌ها

انتخاب دهکردی البته با حواشی قانونی هم روبه‌رو شده است. برخی رسانه‌ها با اشاره به قوانین موجود در این زمینه نوشته‌اند که با استناد به تبصره یک ماده ۳۷ اساسنامه خانه سینما، مدیرعامل نمی‌تواند از میان اعضای هیأت رئیسه انتخاب شود و این بدان معناست که علی دهکردی به دلیل عضویت در هیأت مدیره خانه سینما نمی‌توانسته به‌عنوان مدیرعامل انتخاب شود؛ بنابراین با اتخاذ یک تاکتیک قدیمی از سوی مسئولان خانه سینما که طی سال‌های گذشته نشان داده‌اند، بد طولانی در ایجاد تغییرات یک‌شبه مانند حذف برخی بندهای اساسنامه دارند با استعفای دهکردی از هیأت مدیره و نشان دادن جابر قاسمعلی به‌عنوان عضو علی‌البدل اول به جای او موفق شدند از بین اعضا و حلقه بسته هیأت مدیره، دهکردی را به‌عنوان مدیرعامل جدید خانه سینما معرفی کنند!

دهکردی بازیگر خوش سابقه در سینمای ایران محسوب می‌شود. در واقع دهکردی به‌عنوان یکی از بازیگران بی‌حاشیه و خوشنام سینما و تلویزیون کشورمان علاوه بر مدیریت چالش‌های داخلی خانه سینما باید به شکل موازی همراهی و سازگاری عقلایی با نهاد بالادستی خود؛ یعنی سازمان سینمایی و وزارت ارشاد را هم به پیش ببرد. از آنجایی که دهکردی باید خودش را مجری مصوبات و تصمیمات هیأت مدیره خانه سینما بداند، از یک سو با توجه به روحیه چالش‌آفرین برخی از تصمیم‌گیران این خانه صنفی که سال‌هاست به جای پیگیری حق و حقوق صنفی شاغلان در خانواده بزرگ سینما، به شدت سیاست‌زده رفتار می‌کنند و از سوی دیگر با توجه به بخش‌هایی از متن استعفانامه مرضیه برومند در ۱۰ مه‌ماه، تصور روزهای پرنوسان برای مدیر جدید خانه سینما دور از ذهن نخواهد بود. به قول قدما دیر یا زود دارد؛ اما سوخت و سوز ندارد.

اما نکته مهم این است که در این دوران شکاف مدیریت خانه سینما کار هر کسی نیست و به نظر می‌رسد با توجه به مطالبی که برومند از وضعیت خانه سینما تعریف می‌کند، دهکردی کار سختی برای مدیریت خواهد داشت.

البته هنوز جامعه هنری هم چندان در مورد انتخاب او توجیه نیست، با این حال دهکردی اگر می‌خواهد در این دوران موفق شود، باید تعامل با وزارت ارشاد از یک سو و ارتباط گرفتن با همه طیف‌های سینمای ایران در دستور کار قرار دهد و با برنامه روشن و قدرت و بدون تزلزل عمل کند؛ چرا که اندکی تزلزل به معنای استعفای دیگری در خانه سینما و بسته شدن پرونده مدیریتی او خواهد بود؛ بنابراین دهکردی در دوران ایهام خانه سینما آمده است، امیدواریم در روشن‌ترین دوران، این خانه را ترک نکند.

پادداشت

چرا باید برای سینمای ایران نگران بود؟ در جست‌وجوی فیلم خوب



سعید آجورلو
مدیرمسئول

ضعیف شدن سینمای جدی ایران روی دیگر رشد و گسترش عجیب سینمای بی‌دغدغه، زرد و آسان‌گیر است. چنین روند خطرناکی می‌تواند سینمای پس از انقلاب را که بازتاب کشمکش‌های اجتماعی و حتی سیاسی در دوره‌های مختلف بوده و در عین حال نسبت به مشکلات و مسائل متعهد و جانب‌اخلاق را هم نگاه داشته، شبیه بالیوود کند و یا به دوران فیلمفارسی بازگرداند.

سینمای بی‌خطر، بی‌دغدغه و بدون رسالت اجتماعی تبدیل به صنعتی کاذب و شاید شبه‌فیلم‌فارسی شود که در آن نه خبری از آژانس شیشه‌ای حاتمی‌کیا است نه جدایی فرهادی و نه نیمروز مهدویان و در عوض پر از محصولات بدون مسأله، چالش و بی‌دغدغه خواهد شد. متأسفانه در چند سال اخیر این اتمسفر بر سینمای ایران حاکم شده است. اگر در دوره‌ای، مدیران چپ‌گرای سینما در دهه ۶۰ بار د جنبه سرگرمی‌ساز سینما و مخالفت با ستاره و قهرمان، زمینه افول سینما را فراهم آوردند؛



کرد که آژانس سال ۱۴۰۲، الی قرن جدید و لیلا زمانه نو و حال خوب در دنیای تو ساعت چند است و سیانور تازه و حتی قصه‌ها ساخته شود تا از خطر بالیوودی شدن سینما دور شویم و هویت سینمای ایران حفظ شود.



چپ همیشگی

پزشکیان که در برخی مواقع مواضع خوبی گرفته و از چپ‌های خط امامی به‌شمار می‌رفت اما برخی اوقات با اظهارنظرهای عجولانه و ناشی از احساسات، در مسیر ملت‌هپ کردن فضای کشور گام برداشته و به‌عنوان نماینده مجلس، برخی اوقات سخنان بسیار حاشیه‌سازی را بیان کرده است. اظهاراتی از او در انتهای شهریورماه ۱۴۰۱ در یکی از مساجد منتشر شده که بازخوانی آنها حائز اهمیت است. او در ابتدای اظهارات خود می‌گوید: «...هر جا سخنرانی دعوت می‌کنند نمی‌روم. زمان شاه آدم خیلی راحت از حضرت علی (ع)، امام حسین (ع) و دین اسلام می‌گفت، چون خیلی راحت می‌توانست از عدالت، انصاف و شجاعت این عزیزان بگوید؛ ولی الان بعد از ۴۰ سال که انقلاب کردیم، مگر می‌شود شیعیان امام حسین (ع) این وضعیت زندگی را داشته باشند. در این حکومتی که یک عده می‌خورند، می‌دزدند و تخلف می‌کنند و بعد نیز اسم امام حسین (ع) و دین را بر جامعه ما می‌گذارند، این وضعیت برازنده ما نیست.» او البته در این میان از نقش دولت‌های اصلاح‌طلب در شرایط اقتصادی کشور سخن به میان نمی‌آورد.

در موردی دیگر، پزشکیان در بنبوه ناآرامی‌ها با حضور در صداوسیما با متهم کردن فراجا به کتک زدن مهسا امینی گفته بود: «اگر ریگی به کفش تان نیست، شفاف‌سازی کنید.»

او در یکی از سخنرانی‌های خود درباره مهسا امینی می‌گوید: «نمی‌دانم آن خانم فوت کرده یا کشته شده است؛ ولی حتی اگر آدم خودش بمیرد، زمین باید باز شود. حضرت علی (ع) خلخال را از پای زن یهودی درمی‌آورد و می‌گوید: مسلمان اگر این حرف را بشنود و دق کند، جا دارد، آن وقت دختر مردم را به خاطر اینکه چهار تار مویش بیرون است، می‌برند و بعد مرده‌اش را تحویل می‌دهند... این رفتار ما خیلی سخت و غیرقابل قبول است.» آنچه پیداست این بخش از این سخنان او القای کشته شدن مرحومه امینی توسط مأموران نیروی انتظامی را دارد؛ اظهاراتی که بازتاب زیادی نیز در فضای مجازی داشت. متهم کردن نظام به فساد در کنار سکوت او در قبال پرونده‌هایی چون حسین فریدون، مهدی جهانگیری، شب‌نعمت زاده و... که منافع جریان اصلاح‌طلب را تحت الشعاع قرار می‌داد، مورد سوال جدی است. این مسائل کمتر مورد اعتراض و پیگیری این نماینده مجلس بوده و این شائبه جناحی و سیاسی بودن اظهارات وی را نشان می‌دهد. مضافاً بر اینکه همه ادعاهای او شرعاً و قانوناً باید به اثبات برسد. پزشکیان در طول چند سال گذشته بارها با اظهارات این چنینی در بزنگاه‌هایی که کشور نیازمند آرامش است، به فضا سازی پرداخته است. حال باید دید که در نهایت آیا صلاحیت او برای مجلس آینده تأیید خواهد شد؟



«درباره جملات عجیب و غریب پزشکیان»

هم پوزیسیون هم اپوزیسیون

پزشکیان که در این سالها سیاست خاصی را در پیش گرفته است در این دوره از انتخابات هم گویا می‌خواهد هم سهمی از قدرت داشته باشد و هم برمسند منتقد بنشیند؛ راهبردی که هم طیفانش در این سالها بارها از آن بهره برده اند و به جای اینکه پاسخگوی عملکرد خود باشند مدام در جایگاه طلبکار نشسته اند.

در این روزها که باردیگر نام پزشکیان مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است باید از این دریچه به آن پرداخته شود که این نماینده اساساً چه عملکردی داشته است؟ در مقابل اشتباه‌های دولت روحانی چه کرده است و چه گفته است و اساساً چه رویکردی به دولت مورد حمایت دوستان اصلاح‌طلبش داشته است و جز در سالهای پایانی که کم و بیش از روحانی انتقاد می‌کرد چرا به سهم اصلاح‌طلبان در مشکلات کشور اشاره نمی‌کند؟ او که خود بخشی از قدرت بوده است تلاش می‌کند که ژست اپوزیسیون هم بگیرد.

«مسعود پزشکیان» نماینده مردم تبریز در مجلس یازدهم در واکنش به رد صلاحیت خود از سوی هیأت اجرایی انتخابات اعلام کرد که قصدی برای اعتراض به این اقدام ندارد؛ اما در نهایت به احراز نشدن صلاحیت خود اعتراض کرد تا همچنان در عرصه انتخابات بماند.

پیش‌تر هم شاهد این بودیم که پزشکیان قصد ثبت نام در انتخابات مجلس دوازدهم را نداشت و چند باری هم این نکته را رسانه‌ای کرد؛ اما با رسیدن فصل ثبت نام‌ها، نام او در لیست متقاضیان دیده می‌شد. وقتی هم که او توسط هیأت‌های اجرایی فاقد شرایط حضور در انتخابات به‌عنوان یک نامزد انتخاباتی شناخته شد، بازهم بازگشتی به حالت تدافعی خود داشت و این بار چنین اظهار داشت که در زمان مقرر به نتیجه احراز صلاحیتش اعتراض نمی‌کند تا بدین ترتیب پزشکیان منت فاقد صلاحیت بودنش و عدم اعتراضش را هم بر سر مردم و رسانه‌ها بگذارد. موضعی که باز هم بر آن استوار نبود.

نگاه

در سفر استانی رئیس‌جمهور چه گذشت؟

بهره‌برداری از ۱۵ طرح آبرسانی

نهمین سفر استانی سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور در دور دوم سفرهای استانی روز پنج‌شنبه به مقصد استان چهارمحال و بختیاری انجام شد.

رئیس‌جمهور صبح پنج‌شنبه برای برگزاری نهمین سفر استانی دولت در سال جاری، با استقبال نماینده ولی فقیه در استان چهارمحال و بختیاری و امام جمعه شهرکرد، همچنین استاندار و جمعی از مسئولین استانی، وارد شهرکرد، مرکز استان چهارمحال و بختیاری شد.

وزرای کشور، جهاد کشاورزی، نیرو، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، آموزش و پرورش، بهداشت،

سد باباحیدر شهرستان فارس و طرح آبرسانی به نیمی از جمعیت چهارمحال و بختیاری از جمله برنامه‌هایی بود که با حضور رئیس‌جمهور در این استان انجام شد.

سید ابراهیم رئیسی پیش از این و در تاریخ ۱۹ خردادماه سال گذشته نیز به همراه اعضای هیأت دولت به استان چهارمحال و بختیاری سفر کرده بود. در سفر استانی یک‌روزه اخیر رئیس‌جمهور به استان ۲۵۳ مصوبه برای ۲۲ دستگاه اجرایی تصویب شد که از این میزان تاکنون ۱۷۳ مصوبه در دست اجرا بوده و ۴۳ مصوبه در دست پیگیری است. ۱۶ مصوبه انجام نشده، همچنین دو مصوبه بدون وضعیت است.

همچنین در این سفر ۱۲ هزار و ۹۷۸ میلیارد تومان اعتبار مصوب و ۱۰ هزار و ۱۱۰ میلیارد تومان تسهیلات برای استان در نظر گرفته شد. سید ابراهیم رئیسی در پایان سفر یک‌روزه به شهرکرد، شامگاه پنج‌شنبه پس از انجام نهمین سفر استانی به تهران بازگشت.

صمت، فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین معاون اجرایی و رئیس دفتر رئیس‌جمهور در این سفر سید ابراهیم رئیسی را همراهی کردند.

دیدار مردمی در مصلی شهرکرد، نشست با سران طوایف استان، نشست با نخبگان، حضور در جلسه شورای اداری و نشست مطبوعاتی از مهم‌ترین برنامه‌های سفر یک‌روزه رئیس‌جمهور به چهارمحال و بختیاری بود که در یک برنامه فشرده یک‌روزه تا شامگاه پنج‌شنبه انجام شد.

همچنین وزرا و اعضای کابینه در شهرستان‌های استان هم‌زمان با سفر رئیس‌جمهور، طرح‌های مختلف عمرانی را کلنگ‌زنی یا افتتاح کردند. بهره‌برداری از ۱۵ طرح آبرسانی از جمله طرح انتقال آب و آبگیری

